



بررسی ویژگیهای منافقان در قرآن کریم



امان اله ناصری کریموند^۱
جواد جمشیدی حسن آبادی^۲

چکیده

یکی از گروه هایی که قرآن کریم به صورت جدی به آن توجه نموده و با نزول آیات متعددی در سوره مختلف به بحث و بررسی جهت شناسایی و بیان مشخصات آن ها از جوانب گوناگون پرداخته و خطرات آن ها را بیان نموده، منافقین می باشند. با توجه به این که شناخت منافق برای مسلمانان مشکل بوده است، خداوند متعال با تخصیص و همچنین آیات مختلف در دیگر سوره نقاب از چهره ی واقعی آنان برداشته است تا « منافقین » سوره ای با عنوان این که مسلمانان، این گروه را به خوبی شناخته و خود را در برابر خطرات احتمالی آن ها حفظ نمایند. با بررسی آیات مربوط به منافقین در قرآن کریم، این حقیقت به دست می آید که انواع ویژگی های منافقان را می توان در چهار بُعد: فردی روانی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد بحث و کنکاش قرار داد که هر یک از این ابعاد نیز - شامل مواردی می شود: مهم ترین ویژگی های فردی روانی منافقان عبارتند از: بیماری روحی، ترس و اضطراب، - لجاجت، هواپرستی و از ویژگی های سیاسی منافقان می توان به: دوستی با بیگانگان، ولایت ستیزی، فتنه گری و ... اشاره کرد. اهم ویژگی های منافقان در بُعد فرهنگی عبارتند از: دروغگویی و ریاکاری، ظاهر سازی، وعده های دروغین و ... و در بُعد اجتماعی: شعار اصلاح و ایمان سردادن، شماتت، کینه توزی و ... از بارزترین ویژگی های منافقین می باشد.

کلیدواژهها: ویژگی های منافقان، نفاق، دورویی، منافقین در قرآن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سالنامه علوم انسانی

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهمی که در همه ی ادیان و جوامع وجود دارد و در دین مبین اسلام نیز از صدر اسلام تاکنون به صورت جدی مورد بحث بوده و به نوعی می توان گفت موضوع روز همه ی زمان هاست و در هیچ زمانی نمی توان آن را وا گذاشت؛ بحث نفاق و منافقین است. اما این که منافقان چه کسانی هستند؟ کارشان چیست؟ چگونه می توان آن ها را شناخت؟ و ... سوالاتی هستند که با طرح بحث منافقین به ذهن خطور می کند، البته پاسخ به این سوالات بسیار مشکل است چرا که فرد منافق، هیچ ویژگی و شاخصه ی بارزی ندارد که بتوان او را شناخت. ولی قرآن کریم با آیات متعددی در قالب بیان صفات و ویژگی های مختلف منافقین، نقاب از چهره ی این گروه منفور برداشته است. بر همین اساس، نوشتار حاضر در صدد پاسخ به این سوال است که با بررسی آیات قرآن کریم چه ویژگی هایی از منافقان به دست می آید و سیمای منافقان در قرآن چگونه مطرح شده است؟

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث amannaseri@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث Javadjamshidi@yahoo.com

اهمیت شناخت منافقین

با سیری در تاریخ اسلام این حقیقت به دست می آید که حکومت و جامعه ی اسلامی در طول حیات خود بیشترین ضربه را از منافقان خورده است. به همین دلیل است که قرآن سخت ترین حملات خود را متوجه منافقان ساخته است و بزرگ ترین اعلام خطر را درباره آن دسته از دشمنان داشته است که می فرماید: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ» (المنافقون/۴). طبق این فراز نورانی، تنها منافقان دشمنان حقیقی هستند و باید از آنان پرهیز نمود و برای فاصله گرفتن از آن ها، باید آن ها را در مرحله نخست شناخت سپس از آن ها فاصله گرفت. پیچیدگی و مخفی کاری منافقین از یک سو و ظاهرسازی آن ها از سوی دیگر سبب می شود که شناخت آن ها نیازمند بصیرت خاصی باشد و همین مطلب موجب می شود که شناخت ویژگی های آن ها از اهمیت ویژه برخوردار شود.

شناخت این گروه از دشمنان به دلایلی همچون: باخبر بودن از اسرار جامعه اسلامی، دشوار بودن شناخت آنان، وجود پیوندهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و...مورد توجه می باشد. صاحب تفسیر نمونه می نویسد: باید برای رفع شرّ منافقین برنامه ریزی دقیق و وسیعی داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۴، ص ۱۶۷) و برای داشتن برنامه دقیق برای این کار نیاز به شناخت این گروه از منظر قرآن هستیم:

۱) معاشناسی نفاق:

نفاق در لغت:

نفاق در لغت از ماده نفق گرفته شده است و در «اصل از نفاقاء الیربوع (حفره های خانه موش) گرفته شده است.» نفاقاء نیز جمع نفاء است که به معنی «یکی از حفره های موش است که موش (به منظور تدابیر امنیتی) آن را پنهان می کند و دیگری را آشکار می گرداند.» (لویس معلوف، ۱۳۸۲، ص ۸۲۸) به منظور این شباهت کار منافق را نفاق نامیدند، چرا که منافق در لغت به کسی می گویند که «کفرش را مخفی می کند و اظهار ایمان می کند و در کل خلاف آنچه در دل دارد اظهار می کند.» (ابراهیم مصطفی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۴۲ و رک: قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۷ص ۹۷)

نفاق در اصطلاح:

به طور کلی «نفاق» در اصطلاح قرآن عبارتست از: مخالفت درون با برون و ظاهر با باطن آدمی است که با نیت فساد و معصیت یا فتنه و آشوب شکل می گیرد زیرا که منافق با زبان چیزی را می گوید ولی نیت واقعی خود را مخفی می دارد تا به دیگران زیان و آسیب برساند. (حسینی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴) (به عبارت روشن تر منافق، کسی است که ظاهر و باطن او یکی نباشد و به اصطلاح «دورو» باشد).

۲) ویژگی های منافقان از منظر قرآن کریم:

؛ به طور کلی مهم ترین صفاتی را که قرآن کریم از منافقان ارائه داده است را در یک تقسیم بندی کلی می توان در ذیل چهار عنوان بیان نمود: الف) ویژگی های فردی منافقان. ب) ویژگی های سیاسی منافقان. ج) ویژگی های فرهنگی منافقان. د) ویژگی های اجتماعی منافقان.

هریک از این ویژگی ها، خود به انواعی تقسیم می شود که در ذیل به بیان آن ها پرداخته می شود:

الف) ویژگی های فردی- روانی:

۱) بیماری روحی:

این افراد دارای قلب مریض هستند، بنابراین از نظر روحی بیمارند و قرآن این موضوع را چنین می فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (البقره، ۱۰)

۲) ترس و اضطراب:

شجاعت ریشه در ایمان دارد زیرا که با وجود ایمان، شجاعت هم هست و منافقان چون ایمان ندارند بنابراین ترسو هستند. قرآن کریم می فرماید: «...يَخْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ...» (المنافقون، ۴): (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۶۷ و ک: مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، ج ۲۴، ص ۱۵۳)

۴) لجاجت:

لجاجت یکی از رذایل اخلاقی است، قرآن کریم در این باره میفرماید: «صُمُّ بُكْمٌ عُمِّي فَهَمَّ لَا يَرْجِعُونَ» (البقره، ۱۸) خداوند این دسته را مذمت و سرزنش می کند که اینان گویی قلبشان مهر شده و ایمان داخل آن نمی گردد، مانند آیه کریمه: «صُمُّ بُكْمٌ عُمِّي» اینان گویی کر و کور و گنگاند یعنی کفر چنان در دل آنان جا گرفته است که دیگر نمی بینند مانند کسانی که قلبشان مهر شده است و به دلیل لجاجت ایمان نمی آورند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش. ج ۱، ص ۶۲ و ک: نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۵۲).

۵) سستی در معنویت:

یکی دیگر از صفات فردی منافقان سستی در معنویت است، قرآن این صفت از منافقین را چنین بیان می کند: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ، وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاؤُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا.» (النساء، ۱۴۲).

این جمله وصف دیگری است از اوصاف منافقین و آن این است که وقتی به نماز می ایستند اولاً به حالت کسالت می ایستند... و اگر به راستی دلپایشان علاقه و محبتی به پروردگارشان می داشت و به او ایمان می داشت، در توجه به سوی خدا و در ذکر خدا دچار کسالت و سستی نمی شدند و عمل خود را به قصد ریا و نشان دادن به مردم انجام نمی دادند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱).

۶) هواپرستی:

قرآن کریم می فرماید: «...الَّذِينَ طَبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» (محمد(ص)، ۱۶). همین هواپرستی باعث شده است حق را زیر پا گذاشته و رو به باطل گذارند.

۷) بهانه تراشی:

تمام تلاش منافقان، اخفای باطن پلیدشان از طریق ظاهرسازی است تا خود را در صف مؤمنان قرار بدهند به عنوان مثال، برای عدم حضور در صحنه می جنگ با دشمن به توجیه گیری دست می زنند: «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَ لَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (التوبه، ۴۹) (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۶، ص ۲۹۷).
(۸) امر به منکر و نهی از معروف:

این کار منافقان درست بر عکس برنامه مؤمنان راستین است، قرآن کریم این موضوع را چنین بیان می کند: «الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (التوبه، ۶۷)

... طرز تفکر و عملکرد همگی مشابه هم است و آنان هدف مشترکی دارند و آن نابودی اسلام است. (جعفری، بی تا، ج ۴، ص ۵۲۷).

۹) بخل:

قرآن کریم می فرماید: «... وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ...» (التوبه، ۶۷)؛ منافقان نه در راه خدا انفاق می کنند و نه به کمک محرومان می شتابند. روشن است که آن ها چون ایمان به آخرت و نتایج و پاداش انفاق ندارند، در بذل اموال سخت بخیلند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۸، ص ۲۸). به منظور اجتناب از تطویل بحث صفات روانی منافقین، دیگر صفات را به صورت اجمال فقط نام می بریم: فریب کار(النساء، ۱۴۲)، مسخره کننده(البقره، ۱۴-۱۵)، فتنه گر(النساء، ۹۱)، پر توقع(النساء، ۱۴۱)، راحت طلب(التوبه، ۴۲)، دروغ گو(المنافقون، ۱) و...

ب) ویژگی های سیاسی منافقان:

۱) دوستی با بیگانگان:

یکی از مهم ترین ویژگی سیاسی منافقان، دوستی با بیگانگان است قرآن کریم در این باره می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَ لَا مِنْهُمْ وَ يَخْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (المجادله، ۱۴)
این آیات سرگذشت دسته ای از منافقین را ذکر می کند که با یهودیان دوستی و مودت و با خدا و رسولش دشمنی داشتند و ایشان را به خاطر همین انحراف مذمت نموده، به عذاب و شقاوت تهدید می کند، تهدیدی بسیار شدید، ... (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۵).. و همچنین: ر.ک: قويدل، مقاله منافقان در قرآن، ص ۷).



۲) ولایت ستیزی:

قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ» (النور، ۴۷-۴۸)

مفسران گفتند: این آیه و آیه بعدی در حق مردی منافق آمد نام او (بشر) و دشمنی یهودی که او داشت، خصومت آن ها درباره زمینی بود، یهودی او را به حکومت پیش رسول الله (ص) می آورد و ... (رهنما، ۱۳۴۶ ش، ج ۳، ص ۸۲).

از آن جا که طرح ولایت در اسلام پی ریزی یکی از مهم ترین مبانی نظریه سیاسی اسلام است. (خاتمی، ۱۳۷۹ ش، ص ۷۵-۷۶). لذا قرآن کریم در جاهای مختلفی، نشانه ی عمده ی نفاق را ولایت گریزی و ولایت ستیزی می داند و هشدار می دهد که منافقین با شیوه های مختلف با ولایت مبارزه می کنند.

۲) فرصت طلبی:

در قرآن آیات مختلفی منافقین را فرصت طلب و سوء استفاده گر معرفی کرده و اساس کار انسان منافق و دو رو هم همین فرصت طلبی است، چون این گروه تنها حفظ منافعشان را مهم می دانند. قرآن این موضوع را چنین می فرماید: «الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَ إِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا ...» (النساء، ۱۴۱)

صاحب تفسیر نمونه می نویسد: این آیه قسمتی دیگر از صفات منافقان و اندیشه های پریشان آن ها را بازگو می کند، می گوید: «منافقان کسانی هستند که همیشه می خواهند از هر پیشامدی به نفع خود بهره برداری کنند... امام خمینی (ره) در وصیت نامه شان این مطلب را به خوبی به همه هشدار می دهند: «من در میان شما باشم یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد» (خمینی، بی تا، ص ۹۷). این موضوع در سخنان شهید مطهری نیز دیده می شود: «رخنه و نفوذ افراد فرصت طلب در درون یک نهضت از آفت های بزرگ هر نهضت است و وظیفه بزرگ رهبران اصلی این است که راه نفوذ و رخنه این گونه افراد را سد نمایند» (مطهری، بی تا، ص ۹۶).

۴) فتنه گری:

یکی دیگر از ویژگی منافقان، فتنه گری است. قرآن کریم چنین می فرماید: «... يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَبُوا لَكَ الْأُمُورَ ...» (التوبة، ۴۷-۴۸)

در این آیه این مطلب را بیان می کند که: اگر آنان (منافقان) با شما بیرون می شدند جز فساد نمی افزودند و خود را در میان شما جا می زدند و شما را به فتنه می انداختند و در میان شما کسانی هستند که از آنان سخن می شنوند. اگر هم پیامبر به خاطر اجازه دادن به آن ها مورد عقاب قرار گرفت برای این نبود که چرا به آن ها اجازه داد که در جهاد شرکت نکنند بلکه برای این بود که چرا پیش از روشن شدن دروغگویی آنان به آن ها اجازه داد. (جعفری، بی تا، ج ۴، ص ۵۲۷).

۵) ایجاد جنگ روانی:

قرآن هدف جنگ روانی منافقین را، چنین تبیین می نماید: که هدف آن ها ایجاد دلهره و اضطراب در جامعه می باشد تا با این کار روحیه ی عمومی تضعیف، و یأس بر جامعه حاکم شود تا اعتماد عمومی نسبت به مسئولان سلب گردد که نتیجه اش فاصله بین نظام و مردم است. قرآن کریم در این زمینه چنین می فرماید: «وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» (الأحزاب، ۱۳)

در این آیه به شرح حال گروه خطرناکی از منافقان بیمار دل که نسبت به دیگران خباثت و آلودگی بیشتری داشتند پرداخته، می گوید: «و (نیز) به خاطر بیاورید هنگامی را که گروهی از آن ها گفتند: ای اهل یثرب! (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست، به خانه های خود باز گردید» و به این ترتیب می خواستند جمعیت انصار را از لشکر اسلام جدا کنند این از يك سو، از سوی دیگر «و گروهی از آنان از پیامبر اجازه باز گشت می خواستند و می گفتند: خانه های ما بی حفاظ است، در حالی که بی حفاظ نبود آن ها فقط می خواستند (از جنگ) فرار کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷، ص ۲۲۷، رک: نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۱۶، ص ۷۵).



۶) افساد در پوشش اصلاح:

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (البقره، ۱۱) این آیه یکی دیگر از خصوصیات سیاسی منافقان را بیان می‌کند که شعار آن‌ها اصلاح طلبی است در حالی که مفسد واقعی آن‌ها هستند: ... (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۹۵) بنابراین منافق چند چهره بودن خود را مردم‌داری و اصلاح طلبی می‌داند و از طرفی منافق، فقط خود را اصلاح طلب معرفی می‌کند. (رک: قرائتی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۵۶).

۷) شایعه سازی:

قرآن پخش شایعات از منافقان و یا افراد ضعیف‌الایمان را مذمت می‌کند زیرا بسیار می‌شود که اخبار بی‌اساس و از طرف دشمن به منظورهای خاصی جعل می‌شود و اشاعه‌ی آن به زیان مسلمانان تمام گردد. قرآن کریم این چنین این موضوع را به مسلمانان هشدار می‌دهد: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (الأحزاب، ۶۰)

خداوند در این آیه به پیامبر می‌گوید: البته (از این به بعد) اگر منافقین و کسانی که در دل‌های آن‌ها مرض (ناپاکی) است و هم‌آنهايي که در مدینه (با تبلیغات سوء) دل‌اهل‌ایمان را مضطرب و هراسان می‌سازند دست‌نکشند ما هم تو را (بر مبارزه و قتال) با آن‌ها برانگیزیم و (بر جان و مال آن‌ها) مسلط گردانیم تا از آن پس جز اندک زمانی در مدینه در جوار تو زیست نتوانند کرد. (محقق، محمد باقر، ۱۳۶۱ ش، ص ۶۵۰ و رک: طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۵، ص ۱۵۳).

۸) ایجاد تنگنای اقتصادی برای پیروان حق:

یکی دیگر از ویژگی‌های منافقین این است که مسلمان را در تنگنای اقتصادی قرار می‌دهند تا دست از ایمانشان بردارند بنابراین قرآن می‌فرماید: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» (المنافقون، ۷). منافقین همان مردم بد خواهی هستند که می‌گویند بر اصحاب رسول انفاق نکنید تا یارانش از اطراف او پراکنده شوند در صورتی که گنج‌های آسمان و زمین از برای خدا است لکن منافقین درک نمی‌کنند. (بروجردی، ۱۳۶۶ ش، ج ۷، ص ۱۶۵)

۹) منفعت طلبی:

یکی از ویژگی‌های بارز منافقان این است که منفعت طلب هستند: قرآن کریم این موضوع را چنین بیان می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَ إِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَ تَمَنَعَكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...» (النساء، ۱۴۱)

در این آیه منافق چنین معرفی می‌شود: کسی که دو رو است، نزد مؤمنین اظهار ایمان می‌کند و به ظاهر ایمان عمل می‌کند مثل نماز و روزه و حج و امثال این‌ها و نزد کفار اظهار کفر می‌کند و آن‌ها را خبر می‌کنند از مقاصد مؤمنین، آن‌ها انتظار می‌کشند ببینند کار اسلام و کفر به کجا می‌کشد اگر اسلام پیشرفت کرد این‌ها هم جزو مسلمان هستند و از منافع اسلام بهره‌مند می‌شوند و اگر کفر پیشرفت کند با آن‌ها شرکت می‌کنند. (رک: طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۴، ص ۲۴۵).

۱۰) کارشکنی:

مکارم شیرازی ذیل آیه ی: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (التوبه، ۸۱) می‌نویسد: منافقان به تخلف خودشان از شرکت در میدان جهاد قناعت نکردند، بلکه با وسوسه‌های شیطانی کوشش داشتند، دیگران را نیز دلسرد یا منصرف سازند و به آن‌ها گفتند: در این گرمای سوزان تابستان به سوی میدان نبرد حرکت نکنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۸، ص ۶۳ و رک: بروجردی، ۱۳۶۶ ش، ج ۳، ص ۱۲۶).

ابو سعید خدری می‌گوید: گروه منافقین به پیامبر اکرم اسلام می‌گفتند: یا رسول‌الله هر گاه جنگ و جهادی رخ دهد ما هم با تو می‌آئیم. اما هنگامی که جهادی پیش می‌آمد آنان تخلف می‌کردند... نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۳، ص ۱۰۰).

اصولا منافقان برای اغفال افراد با ایمان غالبا به یک سلسله موضوعات جزئی و ناچیز و گاهی مضحک متوسل آگاه باشید که این «: میشوند تا موضوعات مهم و کلی را نادیده بگیرند. ولی به هر حال قرآن در پاسخ میفرماید

ها همانکون در میان فتنه و گناه و مخالفت فرمان خدا سقوط کرده‌اند و جهنم گرداگرد کافران را احاطه کرده التوبه، آیه (« است ۴۹: رک: قویدل، بی تا: ۵).

۱۱، ۲، ۴. تلون و چند چهرگی:

یکی دیگر از ویژگیهای بارز منافقین، تلون و چند چهرگی آنهاست. خصوصیتی که در جای جای قرآن به آن اشاره شده است و آن را مذموم دانسته و همین ویژگی این گروه است که باعث می شود هم در بین مؤمنین نفوذ

کنند و هم با مشرکین و کفار و دشمنان خلوت کنند، قرآن این چنین مؤمنان را به این امر هشدار میدهد:

ره، (« و إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ » ۱۴).

طبرسی در تفسیر این آیه مینویسد: منافقان وقتی مؤمنین را میدیدند، میگفتند: ما نیز مانند شما ایمان آورده آنچه بر رسول اکرم(ص) نازل شده است قبول کردیم اما وقتی با دیوشتان و شیاطین خود روبرو میشدند، میگفتند: ما با شما هستیم ما یاران محمد را مسخره میکنیم. (طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱: ۱۴۰).

صفات دیگری نیز میباشند که به منظور اجتناب از تطویل بحث آنها را به صورت اجمال فقط نام میبریم: کفر ورزیدن در پوشش ایمان(البقره، ۸)، فریبکاری و نیرنگ بازی(البقره، ۹)، تنها به منافع خویش مینگرند(التوبه، ۵۸)، استفاده از مقدسات برای گمراه کردن مردم(المنافقون، ۲) و....

۳، ۴. ویژگیهای فرهنگی منافقان:

۱، ۳، ۴. دروغگویی و ریاکاری:

نخستین سخن در سوره منافقون در بیان ویژگیهای آنها، اظهار ایمان دروغین و دوگانگی ظاهر و باطن آن- هاست که پایه اصلی نفاق را تشکیل میدهد. و با این شیوهی زشت هر روز به رنگی در میآیند و سخنان ضد

و

نقیضی میگویند و به راحتی سخنان سابق خود را تکذیب میکنند.

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ «: مکارم شیرازی ذیل آیه ی الْمُنَافِقُونَ، (« يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ۱) می نویسد: نخستین سخنی را که قرآن کریم در اینجا درباره منافقان مطرح میکند همان اظهار ایمان دروغین آنهاست که پایه اصلی نفاق را تشکیل میدهد... (مکارم شیرازی،

۱۳۷۴ ش ج ۲۴: ۱۴۸ - ۱۴۹ و رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۶۶

۲، ۳، ۴. سوگند دروغ خوردن:

یکی دیگر از ویژگیهای منافقین این است که سوگندهای خود را سپر و مانعی قرار دادند که کفر خود را با آن نَشْهَدُ إِنَّكَ «: بیوشانند تا کشته نشوند، ممکن است یکی از سوگندهای دروغشان گفتار آنها باشد که میگفتند باشد زیرا شهادت به منزله سوگند است... (طبرسی، « لِرَسُولِ اللَّهِ ۱۳۷۳، ج ۶: ۳۲۶.) همچنین قرآن کریم می-

التوبه، (« اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ «: فرماید ۲).

صاحب تفسیر جامع این چنین آیه را تفسیر میکند: سوگندهای دروغ خود را سپر جان خود قرار داده‌اند یعنی هرگاه کاری پیش آید که پرده منافقین در آن کار دریده خواهد شد به سوگند دفع آن میکنند ...)

بروجردی، ۱۳۶۶ ش، ج ۷: ۱۶۳).



۳) توجیه روش های نادرست خویش:

منافقان برای جلب رضایت مؤمنان و اثبات حسن نیت و خودی بودن، توجیه گر اقدام های خویش هستند. قرآن از این روش منافقان در چند جای قرآن پرده برداشت و رسوایشان کرده است. صاحب تفسیر نمونه ذیل آیه ی: «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَ سَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَ لَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَ سَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (التوبه، ۴۲). می نویسد: این آیه منافقان و افراد تنبل و ضعیف الایمان که برای سرباز زدن از حضور در این میدان بزرگ به انواع بهانه ها دست می زدند و عدم حضور خود در جنگ و جهاد را این گونه توجیه می کردند و خداوند با پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین می گوید: «اگر غنیمتی آماده و سفری نزدیک بود به خاطر رسیدن به متاع دنیا دعوت تو را اجابت می کردند» و برای نشستن بر سر چنین سفره آماده ای می دویدند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۲۵).

۴) ظاهر سازی:

منافقان از رعایت ظواهر دینی برای جلب توده ی مردم استفاده می کنند. متأسفانه، این ظاهر سازی ها بسیاری از مؤمنان را به گونه ای جذب خود می کنند که اندک تردیدی در ایمان آن ها پیدا نمی کنند. این افراد گاهی آن قدر حرفه ای عمل می کردند و قرآن این موضوع را چنین بیان می کند: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» (البقره، ۲۰۴). خداوند در این آیه، خطاب به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: عده ای نزد تو آمده و به ظاهر دعوی اسلام می کنند و درباره رغبت خود به دین اسلام داد سخن می دهند و از گسترش دین و پیشرفت مسلمین مزده ها و افسانه ها می گویند. و در ضمن برای صحت گفته خود، پروردگار را گواه می گیرند در حالی که این گروه سخت ترین دشمن تو و اسلامند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۶۶).

۵) وعده های دروغین:

منافقان از طریق دادن وعده های دروغین، مردم را فریب داده و از این طریق به مقاصد شوم خود می رسند: «وَ مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ» (التوبه، ۷۵). صاحب تفسیر آسان در تفسیر این آیه می نویسد: ضمیر در (مِنْهُمْ) به منافقین برمی گردد که ثعلبه یکی از آنان بود. یعنی بعضی از منافقین هستند که با خدا تعهد می کنند و به پیامبر می گویند: اگر خدا از فضل یعنی ثروت دنیوی به ما عطا کند محققاً ما به فقرا و بینوایان صدقه می دهیم. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۹، ص ۳۵۵ و رک: واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۳۴). بنابراین منافقین حتی به خدا و رسولش نیز وعده های دروغین می دهند.

۶) تضعیف باورهای دینی و شبهه افکنی:

از جمله روش های فرهنگی جبهه نفاق، تضعیف باورهای دینی می باشد، این ویژگی آن ها ناشی از وجود تردید و شک در دل آن هاست زیرا که اگر خودشان به عقایدشان ایمان واقعی داشتند دچار چنین حالتی نمی شدند. مهم ترین راهکار آن ها برای رسیدن به این هدف نامقدس؛ شبهه افکنی و تلاش در ایجاد پرسش ها و شبهه های مختلف است: «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (الأحزاب، ۱۲) پس خداوند در شأن منافقان که چنین سخنی گفتند آیه: «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» یعنی: یاد کنید وقتی را که منافقان و کسانی که در دل های ایشان مرض است، گفتند: خدا و رسول او ما را جز فریب دادن، وعده نداد. و برای این ماجرا، آیه «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ...» را نازل کرد. (اسلامی، ۱۳۸۳، ش، ص ۱۱۲).

۷) کفر ورزیدن در پوشش ایمان:

قرآن کریم می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (البقره، ۸).؛ سورآبادی در تفسیر این آیه می نویسد: و از مردمان کسی است که می گوید بگرویده ایم ما به خدا و به روز بازپسین و نیستند ایشان گرویدگان از دل و ایشان منافقانند چون عبد الله بن ابی بن سلول الخزرجی و دیگر منافقان. (سور آبادی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۳۳). بنابراین قرآن مسلمانان را هشدار می دهد که ایمان آوردن منافقان از روی اخلاص نیست بلکه از روی نفاق و دو رویی آن هاست.

۸) سفاقت و نادانی:

قرآن کریم می فرماید: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِنُ لَا يَشْعُرُونَ» (البقره، ۱۲) شریف لاهیجی در تفسیر این آیه می نویسد: خداوند در رد کلام ایشان (که می گویند ما اصلاح شدیم) می فرماید که: بدانید به درستی که منافقان ایشانند، فساد کنندگان و فتنه انگیزان و لیکن نمی دانند ایشان که اهل فساد و فتنه اند، یا آن که نمی دانند ایشان که ما می دانیم که ایشان مفسد و فتنه انگیزند. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۱۳) صفات دیگری نیز می باشند، که به منظور اجتناب از تطویل بحث آن ها را به صورت اجمال فقط نام می بریم: فراموش کردن خداوند (المنافقون/۴)، فریب کاری (الاحزاب، ۱۲) و...

د) ویژگی های اجتماعی منافقان:

این خصوصیت منافقان را می توان به نفاق اجتماعی نام برد. منافقان در عرصه های اجتماعی نیز دارای خصوصیات ناپسندی هستند از جمله:

۱) سردادن شعار اصلاح و ایمان:

منافقان همیشه با ظاهر اصلاح گری و ایمان خواهی در جامعه، اهداف پلید خود را دنبال می کنند برای مثال می توان جریان مسجد ضرار را که با شعار دهان پر کنی هم چون کمک به بیماران و معذوران بیان شد، اما در واقع هدفی جز ضربه زدن به اجتماع مسلمانان نداشت، مطرح نمود: «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَ كَفَرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِضْطَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيُخَلِّفُنَّ إِنِ آرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ...» (التوبه، ۱۰۷-۱۱۰). خداوند در این آیات به یکی دیگر از توطئه های منافقان اشاره دارد، این آیات درباره گروهی دیگر از منافقان است که برای تحقق بخشیدن به نقشه های شوم خود اقدام به ساختن مسجدی در مدینه کردند که بعداً به نام مسجد «ضرار» معروف شد. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۱، ص ۳۹۹ و رک: ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۶۴).

۲) شماتت:

یکی دیگر از ویژگی های منافقان شماتت است، قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِن تَمَسَسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِن تَصِيبْكُمُ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِن تَصِيبُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا، إِنِ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران، ۱۲۰). در این آیه از جمله نشانه نفاق و دو روئی منافقان آنست که همیشه در انتظارند که خطری به مسلمانان روی آورد تا آن که خشنود باشند و چنان چه بر دشمنان ظفر یابند و غنائمی به دست آورند غمگین خواهند بود، از این رو هرگز صفا و صمیمیت با مسلمانان نخواهند داشت. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۱۷۴)

۳) کینه توزی:

قرآن در آیات مختلفی از کینه و عداوت شدید منافقان نسبت به مؤمنان خبر می دهد. به گونه ای که این حالت از رفتار و گفتار آنان مشاهده می گردد از جمله آیه ی «وَ إِن مِّنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا» (النساء، ۷۲) بعضی از مفسرین گفته اند مراد از جمله «وَ إِن مِّنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ» مردم منافق است که با مسلمانان معاشرت دارند و به ظاهر دعوی اسلام می نمایند پروردگار سوگند یاد فرموده که این مردم منافق در اثر اینکه با کفار و مشرکین همدست و هم کیش هستند بهانه جوئی می نمایند و هرگز به کمک مسلمانان در جنگ با کفار شرکت نمی کنند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۱۷)

۴) خود را عزیز و دیگران را ذلیل دانستن:

قرآن کریم می فرماید: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (المنافقون، ۸): می گویند: [یعنی منافقان و عبد الله ابی] اگر ما به مدینه وارد شویم هر آینه بیرون کند آن که عزیزتر است آن را که خوارتر است، یعنی من (عبد الله ابی)، رسول را بیرون کنم.... (سورآبادی، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ص ۲۶۱۰). صفات دیگری نیز می باشند، که به منظور اجتناب از تطویل بحث آن ها را به صورت اجمال فقط نام می بریم: سودجویی (التوبه، ۵۸)، عیب جویی مؤمنان (البقره، ۱۴)، خود را مالک همه چیز دانستن و دیگران را محتاج خود پنداشتن (المنافقون، ۷) و...

نتیجه گیری:

از مجموعه مطالب مطرح شده به این نتیجه می رسیم که: از منظر قرآن کریم، منافقین به دلیل نفاق و دو رو بودن به راحتی قابل شناسایی نیستند به همین دلیل خطرناکترین افراد یک جامعه هستند. قرآن کریم با نزول قریب به ۳۰۰ آیه در سیزده سوره (بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، عنکبوت، احزاب، فتح، حدید، حشر، منافقین و تحریم)، اهتمام زیادی به شناساندن و افشای چهره و صفات منافقان داشته است و همچنین در قرآن سوره ای با نام منافقون نازل شده است. در خلال این آیات ویژگی های مختلفی از جمله: لجاجت، امر به بدی و نهی از خوبی، دوستی با بیگانگان، ولایت ستیزی، فرصت طلبی، دروغ گویی و ریاکاری، فتنه گری، ایجاد جنگ روانی، وعده های دروغین، تضعیف باورهای دینی و شبهه افکنی، کفر ورزیدن در پوشش ایمان، ظاهرسازی افساد در پوشش اصلاح و... مکشوف می گردد که شناخت و عمل به این دستورات می توان منافقین را بهتر شناخت و نقشه های آنها را خنثی نمود. وز آسیبهای آنان مصون و محفوظ ماند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
- ۲- ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، دارالدعوه استانبول، ۱۹۸۹ ق، ۱۴۱۰ هـ. ق.
- ۳- اسلامی، محمد جعفر، شأن نزول آیات، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- ۴- بروجردی، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران، انتشارات صدر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
- ۵- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، بی جا، چاپ اول، بی تا.
- ۶- حسینی، سید محمد، دو چهرگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۶ ش.
- ۷- حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتاب فروشی لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۸- خاتمی، سید احمد، سیمای نفاق در قرآن، تهران، انتشارات شفق، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۹- خامنه ای، سید علی، منافقین دشمنان حکومت اسلامی، انتشارات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، بی تا.
- ۱۰- خمینی، روح الله، کلمات قصار، پندها و حکمت ها، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
- ۱۱- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۲- رهنما، زین العابدین، تفسیر رهنما، تهران، کیهان، ۱۳۴۶ ش.
- ۱۳- سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.



- ۱۴- شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه علمی مدرّسین حوزه علمیّه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیّه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
- ۱۷- _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مجمع البیان لعلوم القرآن)، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۱۸- طیب، سید عبد الحسین، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
- ۱۹- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ش.
- ۲۰- قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- ۲۱- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیّه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
- ۲۲- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، بیروت، مؤسسه الوفاء، بی تا.
- ۲۳- قویدل، مصطفی، «منافقان در قرآن»، سایت حوزه (www.hoozeh.com).
- ۲۴- لویس معلوف، المنجد فی اللغه، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۸۲۸.
- ۲۵- محقق، محمد باقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۱ش.
- ۲۶- مطهری، نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، قم، نشر عصر، بی تا.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیّه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- ۲۸- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیّه، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
- ۲۹- واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول، بیروت، دارالکتب العلمیّه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- ۳۰- هاشمی رفسنجانی، اکبر، با همکاری گروهی از نویسندگان، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

